



The study of Denial of verbal distortion of the Bible position in “The contemporary interpretation of the Holly Quran”*

Ali Karimpoor Qaramaleky^۱

Abstract

The protection and safety of the Holy Quran from distortion is one of the most important topics in the Quranic sciences. In addition to it, the distortion of the Bible and the explanation of its type is also one of the important issues among Quranic researchers. The importance of determining its type is in the sense that if the semantical distortion of the Bible is proven, the idea of protection of the Holy Quran, like other holy books, will be proven. Meanwhile, the viewpoint of the authors of the book “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] in refuting the verbal distortion of the holy books, makes the issue even more important. The research method in this article is analytical-descriptive with a critical approach. Research findings indicate that contrary to the opinion of the book’s editor-in-chief, the Bible, in addition to being semantically distorted, has also undergone verbal distortion throughout its history. While the author’s claim is in accordance with the meaning of the verses of the Holy Quran and the understanding of the commentators is no other than that; Therefore, the documents and interpretations expressed in the above book are also false and distortable.

Keywords: Distortion, Semantical Distortion, “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”], Verbal Distortion, Torah and New Testament / Gospel.

*. Date of receiving: ۹, April, ۲۰۲۱ Date of approval: ۲۵, June, ۲۰۲۱.

۱. Assistant professor and member of staff Al-Musatafa university: karimpoorali@yahoo.com



بررسی موضع نفی تحریف لفظی از کتاب مقدس

در تفسیر معاصرانه قرآن کریم^۱

علی کریم پور قراملکی^۲

چکیده

صیانت و سلامت قرآن مجید از تحریف، یکی از مهمترین مباحث علوم قرآنی است. افزون بر طرح آن، تحریف کتاب‌های مقدس و تبیین نوع آن هم، یکی از موضوعات مهم در میان قرآن‌پژوهان مطرح است. اهمیت تعیین نوع آن از این لحاظ است که در صورت اثبات تحریف معنوی کتب مقدس، طرح صیانت از قرآن کریم همانند سایر کتب مقدس نیز اثبات خواهد شد. در این میان، دیدگاه مؤلفان کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» در انکار وجود تحریف لفظی از کتب مقدس، مسئله را بیش از پیش، حائز اهمیت می‌نماید. روش تحقیق در این نوشتار، تحلیلی - توصیفی با رویکرد انتقادی است. یافته‌های پژوهشی نشانگر این است که برخلاف نظر سرویاستار کتاب مذکور، کتب مقدس، افزون بر اشمال به تحریف معنوی، در طول تاریخ گذشته خود از تحریف لفظی نیز برخوردار بوده است. ضمن اینکه ادعای نگارنده، منطبق با دلالت آیات قرآن کریم است و فهم و درک مفسران هم غیراز آن نیست؛ بنابراین مستندات و تفاسیری هم که در کتاب مذکور بیان شده، واهی و خدشه پذیر هستند.

کلیدواژه‌ها: تحریف، تحریف معنوی، تفسیر معاصرانه، تحریف لفظی، تورات و انجیل.

^۱ - تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱/۲۰؛ تاریخ تایید ۱۴۰۰/۴/۴.

^۲ - استادیار جامعه المصطفی العالمية - karimpoorali@yahoo.com

۱. طرح مسئله

مقوله تألیف و تحریف، دو موضوع بسیار مهم در زمینه تاریخ کتب مقدس به شمار می‌آید. از منظر مسلمانان، قرآن کریم بر خلاف ادعای برخی از مستشرقان، از هر نظر تحریف ناپذیر است. (ر.ک: کریم پور قراملکی، مقاله «نقد دلایل مستشرقان در ادعای اغلاط نحوی در قرآن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ص ۹۳-۱۱۴، دوره ۱۴، ش ۲۷، سال ۱۳۹۸) درباره اینکه تورات، تألیف یافته حضرت موسی و انجیل هم، نوشته پیروان حضرت عیسی است، میان یهودیان و مسیحیان اختلافی مشاهده نمی‌شود. محل گفتگو و مناظره این است که آیا دو کتاب مذکور، گرفتار تحریف گردیده‌اند یا نه؟ به سخن دیگر، غیر از تحریف معنوی که نوعاً همه کتاب‌های مقدس در طول تاریخ گرفتار آن می‌گردند، به تحریف لفظی هم مبتلا گشته‌اند یا نه؟ مؤلف کتاب تفسیر معاصرانه در ذیل تفسیر برخی از آیات مرتبط به تحریف، درصدد نفی و انکار نوع تحریف لفظی منسوب به کتب مقدس با استناد به آراء و سخنان مفسران برمی‌آیند. این نوشتار، به دنبال بیان این مطلب است که آیا ادعای مذکور منطقی است یا پشتوانه منطقی نداشته و مستدل نیست؟

شکی نیست در اینکه بخشی از کتاب مقدس تورات، مورد تأیید قرآن بوده و قرآن به آن ارجاع داده است. به عنوان نمونه، آیه شریفه: ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ﴾ (انعام/۹۱)؛ و آیه: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ﴾ (مائدة/۴۴)؛ از جمله آنهاست. چنانچه نزول آیاتی از وحی به نام انجیل بر حضرت عیسی نیز گویای تأیید اصل آن توسط قرآن کریم است. از بعضی از آیات، مانند آیه: ﴿... قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ (مائدة/۴۳)؛ برمی‌آید که از میان اهل کتاب، دست کم قوم یهود، تورات اصلی و غیر محرّف نسبی را در اختیار داشتند و بسیاری از مسائل و احکام و حقایق در آن بود: ﴿وَ كَيْفَ يَحْكُمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ...﴾ (مائدة/۴۳)؛ ولی آنان برای مردم بازگو نمی‌کردند (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۸: ۴ / ۷۷).

۲. تاریخچه بحث تحریف (لفظی - معنوی) کتب مقدس

بحث تحریف کتب مقدس از نظر تاریخی به زمان نزول قرآن برمی‌گردد؛ از آن وقتی که قرآن کریم از ناحیه خداوند برای پیامبر ﷺ جهت هدایت مردم نازل گردید، مقوله تحریف کتب مقدس هم در لابه‌لای آیات مختلف آن مطرح گردید. به عنوان نمونه، در برخی از آن‌ها، تحریف به بنی اسرائیل عصر حضرت موسی ﷺ نسبت داده شده است و در بعضی دیگر نیز متوجه یهودیان معاصر با حضرت



محمد ﷺ دانسته شده است؛ زیرا در جریان بُخْتُ النَّصْرِ، رابطه تاریخی تورات با زمان نزول آن قطع شد؛ اما بسیاری از مسائل مربوط به وحی و رسالت و خاتمیت و مانند آن در این کتاب وجود داشت و پس از ظهور اسلام بود که انگیزه تحریف پیدا شد (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۱۳۷۸: ۴ / ۷۷). هرچند به نظر مرحوم بلاغی، تورات، پیش از ظهور اسلام نیز محزّف بود، ولی بقایایی از آن تا زمان ظهور اسلام وجود داشت (بلاغی نجفی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۰: ۱ / ۸۹)؛ اما اینکه، تحریف مذکور بعد از ظهور اسلام، از چه نوع تحریفی است؟ محل گفتگو و اختلاف است. مؤلف تفسیر معاصرانه در این باره مدعی است، مفسران متقدم بیشتر قائل به تحریف معنوی و تحریف در تأویل بوده اند، ولی نظر علمای متأخر بیشتر بر وجود تحریف لفظی و تنزیلی، افزون بر تحریف معنوی است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

۳. مفهوم شناسی تحریف

واژه «تحریف» از ریشه «حرف» بر وزن تفعلیل، به معنای کنار زدن و مایل کردن است. کنار زدن لفظ در حقیقت، کنار زدن معنای لفظ از معنای واقعی و اصلی خودش است (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۲۰: ۳ / ۲۱۱)؛ در اصطلاح هم، به معنای دور ساختن لفظ و عبارت از جایگاه حقیقی خود است (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۱۹۸؛ مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۴: ۳۰۵). طبق آیه: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۷)؛ کسانی که دلشان مریض است، به دنبال انحراف و کج کردن معانی واقعی آیات برمی آیند. به این نوع تفسیر که تفسیر به رأی هم شناخته می شود، تحریف گویند (معرفت، علوم قرآن، ۱۳۷۶: ۲۷۷).

انواع تحریف

محققان قرآنی، تحریف را به اقسام مختلفی تقسیم می کنند که نفی و انکار برخی از آن ها مورد اتفاق است و بعضی دیگر محل گفتگوست. تحریف در دلالت معنا، جابجایی آیات و سوره ها، اختلاف لهجه و قرائت، تبدیل کلمات، افزودن کلمات و عبارات و کاهش آن ها، از جمله اقسام تحریف است (معرفت، علوم قرآن، ۱۳۷۶: ص ۲۷۸)؛ ولی به طور غالب، تحریف به دو نوع تحریف معنوی یا تفسیری (تحریف تأویلی) و دیگری تحریف لفظی (تحریف تبدیلی یا تنزیلی) تقسیم شده و از وجود و

نمی آن دو در قرآن بحث شده است (ذهبی، التفسیر و المفسرون، ۱۳۹۶: ۳۵/۲؛ طوفی، الاشارات الالهية الى المباحث الاصوليه، ۱۴۲۶: ۶۰/۱)؛ خود تحریف لفظی را نیز به تحریف به تبدیل (مترادف سازی) و تحریف از نوع حذف و تحریف از نوع اضافه تقسیم شده است (ر.ک: خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۱۹۸؛ معرفت، صيانة القرآن من التحريف، ۱۳۸۶: ۲۴؛ نجارزادگان، تحریف ناپذیری قرآن، ۱۳۸۴: ۱۸؛ سکینه حقانی و محمد جواد اسکندرلو، بررسی مسئله تحریف قرآن در دائرة المعارف قرآن لایدن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ص ۴۸-۶۴، دوره ۴، ش ۶، سال ۱۳۸۸؛ باقر ریاحی مهر و سید احمد میر خلیلی، نقد ادعای تحریف قرآن در آثار مستشرقان با تکیه بر آراء آیه الله فاضل لنکرانی، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ص ۹-۳۱، دوره ۱۴، ش ۲۷، سال ۱۳۹۸)

۴. تحلیل دلیل های قائلان تحریف لفظی در کتب مقدس

غالب قرآن پژوهان مسلمان، هنگامی که از کیفیت تحریف کتب مقدس بحث می کنند، با استناد به آیات قرآن یا با استشهاد به ادله فراقرآنی، وقوع تحریف لفظی، افزون بر تحریف معنوی را می پذیرند. در نوشتار کنونی، درصدد تحلیل ادله قرآنی برای اثبات تحریف لفظی در کتب مقدس هستیم.

الف. دلایل درون دینی (ادله قرآنی)

نوع اول: تحریف به حذف آیات

۱. کتمان بشارت های بعثت پیامبر از تورات

خداوند در سوره انعام می فرماید: «... قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ لِيَجْعَلُوهُ قُرْآنًا يَتْلُونَهَا وَتُحْفُونَ كَثِيرًا...» (انعام/ ۹۱)؛ «... بگو: چه کسی کتابی را که موسی آورد، نازل کرد؟! کتابی که برای مردم، نور و هدایت بود؛ اما شما آن را به صورت پراکنده قرار می دهید؛ قسمتی را آشکار و قسمت زیادی را پنهان می دارید.» این آیه که به احتمال قوی، ناظر به قوم یهود است و صراحت دارد که یهودیان، کتابی را که حضرت موسی آورده بوده، بخش بخش کرده و بخشی را آشکار و بخشی را نیز مخفی می کردند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۷: ۲۶۸/۷). منظور از به شکل «قراطیس» در آوردن، جزء جزء کردن تورات در نامه ها و کاغذهای جداگانه است. علمای یهود، آن بخش از تورات را که مربوط به بشارت بعثت پیامبر اسلام بود، به مردم نمی خواندند و یا اگر می خواندند با برداشت ها و تفاسیر غلط، حقایق را کتمان می کردند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۲۴/۱۳).
به نظر می رسد، بر اساس ادله ذیل، آیه شریفه فوق به جای دلالت بر خصوص تحریف معنوی، بر



اعم از تحریف معنوی و لفظی دلالت دارد:

یک. کلمه «قراطیس» که به معنای کاغذهای پراکنده است. هدف از آن به دست یهودیان، نشان دادن تورات در شکل غیر واقعی آن توسط احبار بود؛ چراکه می توانستند تورات را در شکل «کتاب واحد» برای مردم عرضه کنند، ولی با جزء جزء نمودن، بخش هایی از آن را مخفی کردند. این تبعض، نشانه دست کاری آنان در اندازه تورات بود؛ زیرا محتمل است که فلان حثه مشخص در حجمی معین را، در مقداری کم به مردم معرفی کرده و بگویند که آن فصل، این قدر حثه دارد، در حالی که فصل مذکور، بیشتر از آن مقدار باشد (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۹/۲۲۲).

دو. عبارت «تُحْفُونَ»، دلیلی آشکار بر اراده تحریف لفظی است؛ چراکه مقابله، عبارت «تُبْدُونَهَا» آمده است که معنای متفاهم عرفی آن، عرضه نمودن الفاظ آیات خاص به مردم است. برخلاف خفا که به معنای پنهان سازی و امحاء آیات و در نتیجه، کاهش حجم تورات از اندازه حقیقی خود در چشم مردم است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۴۰۶: ۱۰/۱۳۴).

۲. فراموش کردن تذکرات خداوند

خداوند در آیه: «... فَانْسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ...» (مانده/۱۴)؛ «... آن ها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود، فراموش کردند...» به نسیان تورات یا انجیل توسط یهودیان و مسیحیان اشاره می نماید. این آیه شریفه در مقام مقایسه با آیه قبلی که بیان گذشت، گویای دو نکته مهم است: یک. آنچه تورات یا انجیل فراموش نکرده بودند، بعضی آن را کتمان می کردند که به ضرر خودشان بود و بخش هایی از آن را هم اظهار می نمودند که به مصلحت شان بود. آن بخش را هم که کتمان نمی کردند، به وسیله زبان شان تحریف می کردند؛ از مقایسه این دو آیه، سه مقوله مهم اصطیاد می گردد: نسیان، کتمان و تحریف که همان تحریف معنوی است (شعراوی، تفسیر الشعراوی، ۱۹۹۱: ۶/۳۷۸)؛ این نسیان و کتمان نیز به نوبه خودش بر تحریف لفظی دلالت دارد.

دو. با وجود اینکه یکی از تذکرات مهم خداوند، توجه به بشارات موجود در کتب مقدس بود، ولی ذکر فراموش کردن بخشی از تذکرات به جای فراموشی همه تذکرات، به معنای القاء این معناست که آن ها، بخش مهمی از وحی آسمانی که مربوط به بشارات محمدیه باشد را بی توجه شده و ترک کردند. این بی اعتنایی به معنای کاهش وحی آسمانی و کم جلوه دادن محتوای آن به مردم است که برابر با تحریف لفظی است (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۴۰۶: ۸/۲۲۷).

۳. اسقاط حکم رجم از تورات

خداوند در سوره مائده می فرماید: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمِ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ
بِحَرْفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا﴾ (مائده/۴۱)؛ «و [همچنین]
گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آن‌ها
جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند. آنان سخنان را از مفهوم اصلی اش تحریف
می کنند، و [به یکدیگر] می گویند: اگر این که ما می خواهیم [به شما داده شد] و محمد بر طبق خواسته
شما داوری کرد، [بپذیرید، وگرنه] از او دوری کنید.» کلمه «سماع» در این آیه شریفه، طبق گفته برخی
از مفسران به دو معنای متفاوت آمده است: نخست، به معنای شنیدن؛ و دوم، به معنای پذیرش است.
تقریب استدلال به آیه شریفه:

یک. شأن نزولی که برای این آیه بیان شده، مورد اتفاق همه مفسران است که اجمالش، این است:
«بعضی از یهود که زنا محصنه کرده بودند، به امید نجات از کیفر سنگسار که در دین یهود نیز آمده
است، (تورات، سفر تثنیه، فصل ۲۳)، برای داوری نزد پیامبر ﷺ آمدند، غافل از آنکه حکم اسلام هم
سنگسار کردن زناکار است، چون دیدند حکم اسلام نیز همان است، حاضر به پذیرش حکم پیامبر
نشدند.» (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۵۶/۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر
بالمأثور، ۱۴۰۴: ۲/۲۸۱)؛ طبق این شأن نزول، احبار یهود برای رسیدن به مطامع دنیوی خود، حاضر
شدند کلمه «الرجم» را بیندازند و به جای آن کلماتی مانند «التحمیم، الجلد و الحد» در حقیقت به
معنای ازاله سخن خدا از تورات و نادیدن آن است.

دو. منظور از «کَذِب»، آن حکم رجم موجود در تورات بود که احبار یهود، به دروغ آن را انکار
کردند تا شخصیت آن فرد زنا کرده را به گمان خودشان نجات دهند و در مقابل به اهداف مادی خود
برسند. از این رو برای اینکه خودشان را موجه نشان بدهند و پیامبر اسلام را نامهربان ارائه بدهند، اهل
مرتکبین مذکور را، سراغ پیامبر فرستادند که حکم ایشان در این باره، چیست؟ اگر ایشان نیز طبق حکم
ما (همان حکم تحریفی) حکم کرد، قبول کنند و اگر حکمی دیگر (همان حکمی که علمای یهود از
تورات دزدیده و پنهان کرده بودند) کرد، از قبول آن بر حذر باشند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن،
۱۴۲۷: ۵/۳۳۹)؛ بنابراین طبق این شأن نزول، آن‌ها حکم رجم را از تورات ساقط و آن را منکر شدند.

۴. اسقاط و ابدال کلام خداوند

خداوند در سوره نساء می فرماید: ﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا هَادُوا يَحْرُفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعَيْنَا لِيَا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ...﴾ (نساء/۴۶)؛ «بعضی از یهود، سخنان را از جای



خود، تحریف می کنند و [به جای اینکه بگویند: "شنیدیم و اطاعت کردیم"]، می گویند: "شنیدیم و مخالفت کردیم!" و [نیز می گویند: [بشنو! که هرگز نشنوی! و] از روی تمسخر می گویند: "راعا [ما را تحمیق کن!]" تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند...».

این آیه شریفه بر اساس ادله زیر بر تحریف لفظی دلالت دارد:

یک. برخی از یهودیان از روی استهزاء، پس از تحریف سخنان خداوند، به جای اینکه بگویند: «سَمِعْنَا وَ اطعنا» (شنیدیم و اطاعت کردیم)، می گفتند: «سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا!» (شنیدیم و مخالفت کردیم!)؛ این برخورد آنان بعد از تغییر کلام الهی، نشان دهنده اسقاط و تبدیل کلام الهی از سوی آن‌ها بوده و هم گویای عدم مراعات ادب در برابر پیشگاه خداوند است (قرشی بنابی، تفسیر احسن الحدیث، ۱۳۷۵: ۲/۳۷۴).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسند: «خدای تعالی این طایفه از یهود را این طور توصیف نموده است که کلمات کتاب خدای را تحریف می کنند، حال یا به این که جای آن‌ها را تغییر می دهند و پس و پیش می کنند؛ و یا آنکه بعضی از کلمات را به کلی می اندازند؛ و یا به این که کلماتی از خود به کتاب خدا اضافه می کنند، همچنان که تورات موجود، دچار چنین سرنوشتی شده است.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۷: ۴/۳۶۴).

دو. زایل کردن کلام الهی به مقتضای شهوات، از جایگاهی که خداوند بر اساس حکمتش، جایگاه مزبور را برای آن در نظر گرفته و تبدیل غیر آن به جای کلام مذکور، نوعی امحاء و تحریف به شمار می آید که یهودیان، مرتکب آن شده بودند. عصیان صریح در برابر اوامر و نواهی الهی، به معنای جرئت داشتن بر هرگونه اعمال تغییر در متن سخنان او هم هست. همان گونه که طبق بیان طبرسی و زمخشری، آن‌ها در گذشته هم، به جای «اسمر ربعة»، کلمه «آدم طوال» و به عوض «الرجم»، کلمه «الحد» را جایگزین کرده بودند (طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴۱۲: ۱/۲۵۹؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷: ۱/۵۱۶).

سه. هرچند اراده نوع تحریف معنوی از عبارت «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»، قوی تر از اراده قسم تحریف لفظی است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۵/۷۶)؛ ولی این وجه هم محتمل است که بگوییم آیه شریفه به دنبال بیان این نکته است که آنان جایگاه کلام را تغییر می دادند؛ یعنی آن را با جایگزینی سخن دیگری، اسقاط و ازاله می کردند و این احتمالی است که نمی توان آن را به آسانی انکار نمود، زیرا تغییر فوق به صورت مطلق و عموم بیان شده است.

نوع دوم: تحریف به اضافه در آیات

۱. نوشتن کتاب با دستان خود

قرآن کریم در سوره مبارکه بقره می فرماید: ﴿يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ (بقره/۷۹)؛ «پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: این، از طرف خداست تا آن را به بهای کمی بفروشند؛ پس، وای بر آنان از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند.» این آیه، به طور صریح می گوید که بنی اسرائیل کتاب‌هایی را می نوشتند و می گفتند کلام خداست تا پول کمی را به دست بیاورند. قرآن در این آیه شریفه، درباره چیزی صحبت می کند که یهودی‌ها، خودشان نوشته بودند، سپس مدعی می شدند که کلام خداست. «ال» ابتدای «کتاب» از هر نوعی باشد، نشان می دهد که قرآن به کتاب مشخصی اشاره می کند؛ همان کتابی که یهودیان به آن «کتاب» می گویند.

طریق استدلال با این آیه شریفه، از چند جهت است:

یک. عبارت «يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ» بر این مطلب صراحت دارد که واقعاً مطالبی را از ناحیه خود نوشته و آن را به جای تورات یا در لابه لای آن عرضه می کردند. ذکر «بایدیهم» به همراه کتابت، برای تأکید و تقریر مطلب است. همچنین، به لحاظ اینکه «الکتاب» ظاهر در تورات دارد، سیاق آیه شریفه بر این نکته مهم دلالت دارد که آنان مواردی را در تورات می افزودند؛ بنابراین، کتابت مذکور، این احتمال را شامل است که آنان مطالبی را در کنار مطالب تورات افزوده و آن‌ها را به جای تورات واقعی مطرح می کردند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/۵۶۵).

دو. مقصود از «الکتاب»، تورات است نه قرآن کریم؛ چراکه سیاق آیه دلالت بر این دارد که منظور از «الکتاب»، همین کتاب مقدس؛ یعنی تورات است. وقتی آیات قبل و بعد آن بررسی شود، دقیقاً به کتاب مقدس اشاره شده است. در آیه ۷۵ سوره بقره آمده است: ﴿... وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ﴾ ... با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، درحالی که علم و اطلاع داشتند؟!». این سیاق، نشان می دهد که منظور از «الکتاب»، کتاب مقدس تورات است.

۲. بیچاندن زبان توسط برخی از یهودیان

در سوره آل عمران می فرماید: ﴿وَإِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقٌ يَلُونُ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنَ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنَ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (آل عمران/۷۸)؛ در



میان آن‌ها کسانی هستند که زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید [آنچه را می‌خوانند] از کتاب خدا [است، در حالی که از کتاب خدا [نیست!] و با صراحت [می‌گویند: "آن از طرف خداست!"] با اینکه از طرف خدا نیست؛ و به خدا دروغ می‌بندند، در حالی که می‌دانند.]] بر اساس نظر مفسران، مراد از «لفریقاً»، احبار یهودیان موجود در عصر پیامبر ﷺ هستند، یا گروهی خاص از یهودیان و نصاری که مطالبی را می‌افزودند و آن‌ها را به کتاب مقدس ملحق می‌ساختند (جزایری، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۸: ۱/۳۳۰).

این آیه شریفه هم از ادله دلالت بر تحریف لفظی در تورات دارد که برخی از آن‌ها، به شرح ذیل است:

یک. ظاهراً مراد از جمله: «يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ» این است که سخنان غیر آسمانی که خود آن را جعل می‌کردند، به لحنی می‌خواندند که با آن لحن، تورات را می‌خواندند تا وانمود کنند، این سخنان نیز جزء تورات است، با اینکه از تورات نبود (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۷: ۳/۲۶۷).

دو. همچنین، ظاهر عبارت «يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ»، این است که آنها مطالبی را از ناحیه خود برای رسیدن به مقاصد دنیوی، اضافه و اختراع کرده و آنها را جزو کتاب مقدس قلمداد می‌نمودند تا اذهان شنوندگان را از توجه به الحاق و آگاهی از اصل کتاب غافل کنند. اگر شبهه شود که چگونه با شهرت عظیم تورات بین مردم، تحریف در آن ممکن است؟ پاسخ می‌دهیم که شاید، آن تحریف برای افراد کمی که تبانی آن‌ها بر تحریف ممکن بود، فرض شده که در نتیجه محرّف خود را، برای دیگر عوام الناس عرضه می‌نمودند (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۸/۲۶۸).

نوع سوم: تحریف اعم از کاهش یا اضافه در آیات

در رابطه با اثبات تحریف در کتب مقدس به معنای اعم آن، می‌توان به آیات ذیل استناد نمود:

۱. استماع کلام خداوند و انحراف آن

آیه یکم: «أَفَتَعْمَلُونَ آَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره/ ۷۵)؛ «آیا انتظار دارید به [آیین] شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که آگاه بودند؟» مقصود از «فریق» یا همان گروه هفتاد نفری منتخب و همراه با حضرت موسی ﷺ در میقات طور است که کلام خداوند را تغییر دادند و یا یهودیان معاصر حضرت محمد ﷺ است که صفات آن حضرت یا آیه رجم را در

تورات انکار کردند.

تقریب استدلال با آیه شریفه

یک. حمل تحریف بر تحریف لفظی، اولی تر از حمل آن بر تحریف معنوی است؛ زیرا زمانی که آنان تورات را از مورد صحیح، به غیر صحیح تغییر و تأویل دادند، در واقع معنای کلام خدا را تغییر دادند، نه خود کلام خدا را؛ در حالی که خداوند، از تغییر کلام خداوند توسط آنان خبر می‌دهد، لذا خود کلمه تحریف، دال بر وجود تحریف لفظی است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۳/۵۶۱).

دو. فعل «بحرفونه» از ریشه تحریف، اعم از تغییر لفظ و تأویل فاسد است؛ چراکه مطلق بوده و نوع تحریف را معین نکرده است. سیاق آیه هم عام است و، قرینه‌ای خاص مشاهده نمی‌شود که بتوان معنای آن را به تحریف تأویل فاسد، مختص نمود (مهائمی، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، ۱۴۰۳: ۱/۴۹).

سه. اگر شبهه شود که آیه شریفه، مختص آن گروه هفتاد نفری است که پس از مراجعت از کوه طور، گفتند: خداوند، ما را در عمل به تکالیفش مخیر ساخت و بر این اساس، آیه شامل یهودیان معاصر پیامبر ﷺ نیست که به تلاوت تورات و تحریف آن مرتبط باشند. در پاسخ، می‌گوییم: وقتی اسلاف آنان، گرفتار چنین گناه عظیمی باشند، اخلاف آنان هم از ارتکاب تحریف به معنای عام، به طریق اولی بری نخواهند بود، لذا در دلالت آیه بر تحریف، گریزی نیست (کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ۱۳۷۶: ۱/۲۱۸).

ب. دلایل برون دینی (ادله غیر قرآنی)

۱. چنان‌که کتب عهد جدید (اناجیل) و عهد قدیم (تورات و کتاب‌های وابسته به آن) را به دقت بررسی کنیم، خواهیم دید که این کتاب‌ها، هیچ‌کدام لحن آسمانی ندارد، یعنی جنبه خطاب خداوند به بشر در آن‌ها نیست، بلکه به خوبی از آن‌ها، استفاده می‌شود که این‌ها از زبان شاگردان و غیر شاگردان از پیروان آئین موسی ﷺ و مسیح ﷺ به شکل تاریخ و شرح زندگی نوشته شده است و ظاهراً یهود و مسیحیان کنونی نیز این مطلب را انکار نمی‌کنند؛ زیرا داستان مرگ موسی و عیسی و حوادث زیادی مربوط به زمان‌های بعد از آن در این کتاب‌ها آمده است، نه به‌عنوان پیش‌بینی، بلکه به‌عنوان خبری از گذشته، آیا چنین کتابی امکان دارد بر موسی و عیسی نازل شده باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۵/۳۳۹).

۲. تاریخ اناجیل کنونی می‌گوید: تمام آن‌ها سالیان دراز بعد از مسیح و به دست بعضی از



مسیحیان نگاشته شده است و به همین دلیل دارای تناقض‌های آشکاری است. این موضوع نشان می‌دهد که آن‌ها، قسمت‌های فراوانی از آیات انجیل را به کلی فراموش کرده بودند. وجود خرافات آشکار در اناجیل کنونی مانند داستان شراب‌سازی مسیح (انجیل یوحنا، باب ۲ جمله‌های ۲ تا ۱۲)؛ که برخلاف حکم عقل و حتی پاره‌ای از آیات تورات و انجیل کنونی است؛ داستان مریم مجدلیه (انجیل لوقا، باب ۷، جمله‌های ۳۶ تا ۴۷)؛ مسئله تثلیث و امثال آن نیز روشن‌گر این واقعیت است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۴/۳۱۷).

موارد زیادی، وجود دارد که با لحاظ آیات قرآن کریم، می‌توان تحریف لفظی را در کتب مقدس اثبات نمود که برخی از آن‌ها، به شرح ذیل است:

۱. انبیایی همچون نوح، هارون، سلیمان و داوود کفر ورزیده یا بت پرستیده‌اند (اول پادشاهان، ۱۱: ۴-۸)؛ در حالی که قرآن کریم، همه انبیاء را از گناهان مبرا می‌داند. آیات ۱۰۲ سوره بقره و آیه ۸۲ سوره نساء، از جمله آن‌هاست.

۲. بر اساس کتب مقدس، گوساله‌ای را که مردم بنی اسرائیل در هنگام عزیمت حضرت موسی علیه السلام به کوه طور، پرستیده بودند، ساخت حضرت هارون بود، نه اینکه توسط سامری ساخته شده باشد (خروج، ۳۲: ۴)؛ در حالی که قرآن کریم در آیات ۸۵ تا ۹۴ سوره طه و نیز در آیه ۳۹ سوره حجر، گوساله مزبور را ساخت سامری می‌داند.

۳. کتب مقدس، تناقضات عجیبی را هم در بردارند که از جمله، می‌توان به نوع صلیب کشیده شدن و زنده شدن حضرت عیسی در زمان‌های مختلف را بیان کرد (تورات، دوم سموئیل، ۸: ۴ و اول تواریخ، ۱۸: ۴؛ تثنیه، ۲۰، ۱۶)؛ حال آنکه قرآن کریم، حضرت عیسی علیه السلام را مصلوب معرفی نمی‌کند. خبر از سن پادشاهی یهو یا کین در ۸ و ۱۸ سالگی، یکی دیگر از نمونه‌های وجود تناقض به شمار می‌آید. در حالی که خداوند با صراحت در آیه ۸۲ سوره نساء، بیان می‌نماید که اگر قرآن کریم، از سوی غیر خداوند بود، اختلافات زیادی در آن مشاهده می‌شد.

۵. نقد و بررسی دلیل‌های دکتر نصر در نفی دلالت قرآن بر تحریف لفظی

نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن کریم بر نفی تحریف لفظی کتب مقدس گفته‌اند: «هرچند به لحاظ لغوی، تحریف ظاهراً مرتبط به حرف است، ولی معنای آن «پیچاندن»، «کج کردن»، «پوشاندن» یا «منحرف ساختن» است و غالباً مفسران، آن را به لحاظ ریشه لغوی با انحراف مرتبط

می‌دانند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۰۶)؛ آنگاه، این پرسش را مطرح می‌کنند: «آیا یهودیان و مسیحیان، کتاب و حیانی خویش را تحریف کرده‌اند یا اینکه در عین حفظ یک متن معتبر، تفاسیر خویش را دچار تحریف ساخته‌اند- در سنت فکری اسلامی، موضوع بحث و گفتگو بوده است.» (همان: ۲۰۶).

آنگاه، مواردی را از سخنان مفسران اهل سنت، نه شیعه، متذکر می‌شوند تا ثابت کنند که منظور از تحریف کتب مقدس در نظر دانشمندان اسلام، نه تحریف لفظی، بلکه تنها تحریف از نوع تأویلی است که برخی از آن‌ها، عبارت‌اند از:

۱. نقد و بررسی مورد نخست

در گزارشی از دیدگاه فخر رازی می‌نویسد: «برای مثال، فخر رازی در اشاراتش پیرامون آیه ۷۸: ۳ ابراز تردید می‌کند. درباره اینکه، پیشگویی‌های مربوط به محمد رسول‌الله (ر.ک: ۷: ۱۵۷) به کلی حذف شده باشد؛ زیرا چنین چیزی در مقیاس کلی با یک متن شناخت شده، کاملاً تعارض پیدا می‌کند (اما در تفسیرش بر آیه ۷۵: ۲، بر آن است که چنین تحریفی در متنی که تواتر آن حتی کمتر از این است، امکان ندارد) او ترجیح می‌دهد که بگوید: پیشگویی‌ها، مستلزم «تفکر دقیق و شهود قلب» است و آن متون با گذر زمان، تفسیری دستوری پیدا کرده‌اند که از مقصود اصلی منحرف شده است.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۰۶ - ۲۰۷).

تحلیل و بررسی

یک. با اینکه فخر رازی در تفسیر آیات فوق، چنین مطلبی را متذکر می‌شود، ولی خودش در ذیل تفسیر آیه ۷۸ سوره آل‌عمران به شبهه‌ای اشاره دارد که به‌طور صریح، ناظر به همین نکته‌ای است که جناب دکتر نصر، می‌خواهند از آن برای اثبات مدعای خود بهره بگیرند. وی می‌نویسد: «اگر شبهه شود که چگونه با شهرت عظیم تورات بین مردم، تحریف در آن ممکن است؟ پاسخ می‌دهیم: آن تحریف برای افراد کمی که تبنانی آن‌ها بر تحریف ممکن بود، فرض شده است که در نتیجه محرف خود را برای دیگر عوام‌الناس عرضه می‌کردند» (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۸/ ۲۶۸).

دو. منظور از تفسیر دستوری، همان تحریف معنوی است؛ زیرا بر اساس گفته بعدی فخر رازی، به لحاظ اینکه آیات دلالت‌کننده بر نبوت پیامبر اسلام ﷺ، نیازمند دقت نظر بود، لذا برخی با القاء شبهاتی، آن‌ها را از دلالت بر نبوت و تطبیق آن بر پیامبر ممانعت به عمل می‌آوردند. ولی این ادعا و سخن از سوی فخر رازی، محل اشکال است، به دلیل اینکه، چگونه ممکن است خداوند با وضعیت



کذائی، از یهودیان بخواهد که در تشخیص راستی پیامبر اسلام به کتابشان مراجعه کنند یا از اهل ذکر بر اساس آیه ۴۳ سوره نحل و آیه ۷ سوره انبیا، پرسش کنند؟ (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۳۸۶/۷): لابد، دلالت کتاب تورات، به قدری روشن بوده است که خداوند از آن‌ها، چنین خواسته‌ای را به عمل می‌آورد که البته آن‌ها هم با انواع تحریفات، از پذیرش حق خودداری می‌کردند؛ بنابراین ادعای فخر رازی با دعوت خداوند به پذیرش حق مخالفت روشن داشته و قابل قبول نیست.

سه. تشبیه آیات تورات به آیات قرآن توسط فخر رازی هم، محل خدشه است؛ زیرا همه آیات قرآن از گونه مشابه یا مجمل نیستند که نتوان به آن‌ها استشهاد و استدلال نمود؛ چراکه برخی از آن‌ها، مانند آیه ۷ سوره آل عمران، از گونه محکومات هستند. محتمل است به دلیل ارجاع عالمان یهود به نگریستن، آیات تورات، از همان آیات محکم باشند که با لحاظ دلالت روشن‌شان، قرائت‌های متفاوت را برنتابند (قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الرغائب، ۱۳۸۶: ۵۸/۲).

۲. نقد و بررسی مورد دوم

دکتر نصر در جایی دیگر برای اثبات تحریف معنوی، می‌نویسد: «احتمال دیگر، این است که انجیل نازل شده بر عیسی علیه السلام از طریق انجیل موجود منتقل شده، ولی کاملاً منطبق با آن نیست، درعین حال همچنان مورد تأیید و تصدیق خداوند است» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۹۸).

یک. معنای عدم تطابق کامل انجیل عیسی با انجیل کنونی طبق نظر وی، خودش اثبات می‌کند که پس، انجیل کنونی به دلیل کاهش یا افزایش، منطبق با انجیل عیسی نیست و این همان، تحریف لفظی است که ما در مقام اثبات آن هستیم. طبق گفته محققان، آتاناسیوس از آبا مقتدر کلیسا در سال ۳۶۷ م، تمام ۲۷ کتاب عهد جدید را نام برده، می‌افزاید: هیچ‌کس به این کتاب‌ها، چیزی اضافه نکند و چیزی از آن، کم نشود (خاچیکی، کتاب مقدس را بهتر بشناسیم، ۱۳۹۵: ۳۱ - ۳۲).

دو. مورد تأیید بودن انجیل از ناحیه قرآن، به معنای تأیید تمام آن نیست؛ چراکه تأیید می‌تواند تنها ناظر به نازل شدن خود انجیل باشد، ولی اینکه انجیل کنونی، همان انجیل مؤید به روح القدس و منزل به آن حضرت باشد، اول کلام است. از این رو، معنای اینکه قرآن، مصدق تورات است، به معنای این نیست که همه آن را از طرف خداوند و حیانی می‌داند، بلکه تورات، بشارت‌دهنده بر نبوت پیامبر را مصدق است. قرینه بر آن، عبارت «لما معهم» در آیه ۸۹ سوره بقره است (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰: ۴۸۳/۳).

۳. نقد و بررسی مورد سوم

نویسندگان تفسیر معاصرانه قرآن کریم، در جای دیگری از این کتاب برای اثبات تحریف معنوی می‌نویسند: «به این شیوه (انجیل مؤید به هدایت و تأیید الهی)، حقایق و احکام انجیل که به عیسی علیه السلام داده شده، از طریق آنچه آن‌ها با خود داشتند (لما معهم) (۸۹: ۲) و آنچه پیش از قرآن است، به مسیحیان منتقل شده است. بنابراین، می‌توان گفت عنوان انجیل به معنایی که مدنظر قرآن کریم است، هم مشتمل بر متن انجیل است و هم مشتمل به سنت هنجاری پیرامون آن متن، به این اعتبار که پیام اصلی مسیح علیه السلام برای رسولان، یعنی پیامی که از جانب خدا به وی ابلاغ شده بود، از طریق آن متن و سنت منتقل شده است.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۹۹).

به عقیده نگارنده، این مورد نیز، همانند دو مورد قبلی، با اشکالات عدیده‌ای همراه است که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌کنیم:

یک. مقارن نمودن عبارت قرآنی «لما معهم» با تأییدات ادعایی از جانب خود نویسندگان، نمی‌تواند ثابت کند که انجیل کنونی، در وزان آن انجیل عیسوی یا در رتبه اوست؛ چراکه ادعای هدایت و تأیید الهی، تنها برای خود نویسندگان دارای حجیت است. همان‌طور که در علم عرفان بیان شده است، مشاهدات عرفا تا وقتی که به شکل منطقی و نظری درنیابند، برای آن‌ها حجیت ندارد؛ مگر اینکه در حدّ تواتر و موافق با عقل قطعی و نقل معتبر باشد (ابن‌ترکه اصفهانی، تمهید القواعد، ۱۳۶۰: ۷-۱۱).

دو. همراهی عبارت «لما معهم» هم مثبت دیدگاه وی نیست؛ زیرا منظور از آن، تورات مشتمل بر هدایت به مسائل اعتقادی و روحی و شریعت است که از جمله آن‌ها، بشارت نبوت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است، نه تورات از گونه دیگر؛ یعنی همان‌گونه که تورات عیسوی، با همین اعجاز معنوی، از ناحیه خداوند نازل شده بود با همین ویژگی و اوصاف نیز قرآن کریم، نازل شده از ناحیه خداست (ابن‌عاشور، التحرير و التئور، بی‌تا: ۱/ ۴۴۴)؛ بنابراین، به دلیل فقدان آن صفات در تورات و انجیل کنونی، می‌توان با صراحت بیان نمود که انجیل یا تورات کنونی، با تحریف کاهشی مواجه گردیده است.

۴. نقد و بررسی مورد چهارم

دکتر نصر در خصوص تورات نیز می‌نویسد: «در خصوص تورات نیز رویکرد مشابهی می‌توان



داشت و به موجب این رویکرد، مسلمانان می‌توانند کتاب‌های آسمانی اهل کتاب را تصدیق کنند، زیرا خداوند در قرآن کریم تصدیقشان فرموده است. البته بدون اینکه به برخی از تفاسیر و اعمالی که ممکن است با وحی اصلی اختلاف داشته باشند، اعتقاد بورزند.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۴۹۹)؛ مطالب فوق هم، خالی از اشکال نیست، زیرا:

یک. معنای تصدیق تورات توسط قرآن کریم یا مسلمانان، این نیست که آنان تورات فعلی را چشم‌بسته پذیرفته و آن را وحیانی و مصون از اشتباه بدانند، بلکه به معنای این است که قرآن کریم، تنها آن توراتِ مشتمل بر هدایتگری و بشارت‌دهنده به نبوت پیامبر اسلام یا آن تورات خالی از عقاید فاسد و سخنان ناروای منسوب به انبیاء را می‌پذیرد (ابن جزری، التسهیل لعلوم التنزیل، ۱۴۱۶: ۸۱/۱).
دو. ایراد متوجه به تورات، تنها به نوع تفاسیر و اعمال یهودیان و مسیحیان نیست، بلکه خدشه به خود مطالب مذکور در متن تورات و انجیل یا فقدان مطالب وحیانی از آن دو است و این، ایرادی است که ربطی به تفاسیر ندارد.

سه. ایرادی که متوجه کتب مقدس است، دور شدن کتب مقدس از وحی اصلی است که راقم محترم، بدان اشاره کرده و به آسانی می‌خواهد با ردّ شدن از آن، ذهن کسی متوجه بدان نگردد.

۵. نقد و بررسی مورد پنجم

نویسندگان این تفسیر بر اثبات عدم وجود تحریف در کتب مقدس، چنین می‌نویسند: «به حکم این دلایل و نیز از آنجاکه دلیل چندانی وجود ندارد، بر اینکه کتاب مقدس از سده هفتم میلادی به این سو، تغییر مهمی کرده باشد، باید سخنان قرآن کریم درباره کتاب‌های یهودی و مسیحی را در پرتو سنت‌های یهودی و مسیحی موجود و نه در قالب تقریری فرضی که در آن زمان موجود بوده است، در نظر گرفت.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۰۰)، این مطالب نیز، خالی از دقت و تأمل نیست به جهت اینکه:

یک. منظورشان از دلایل، همان مطالبی است که در موارد چهارگانه قبلی بدان اشاره و خدشه پذیریشان، معلوم گردید؛ ولی در ادامه از انتقال تورات دست‌نخورده از زمان سده هفتم میلادی به زمان آینده و عصر کنونی را متذکر می‌شوند که این هم، مغلطه‌ای بیش نیست؛ چراکه نویسندگان می‌خواهد با این ادعا، القا بکنند که مصونیت تورات تا سده هفتم؛ یعنی زمان ظهور اسلام، امر قطعی بوده است و اگر توهّم تحریفی است، متوجه زمان‌های بعدی است. درحالی‌که ایراد بر تورات و عروض تحریف، به زمان‌های بعد از سده هفتم متوجه نیست تا اینکه ادعا شود که در این زمان‌ها، تغییری صورت نگرفته

است، بلکه اشکال به تورات در همان زمان ظهور اسلام است که عالمان یهودی و مسیحی برای خاطر مخالفت با اسلام و نبوت پیامبر و حفظ منافع دنیوی خود، حاضر شدند با کاهش یا افزایش و نیز تفاسیر غلط از تورات و انجیل، از پذیرش دین حق خودداری بنمایند.

دو. ایشان که مدعی می‌شوند، سخنان قرآن درباره تورات را باید در حیطه سنت‌های یهودی و مسیحی امروزه در نظر گرفته شود. این ادعا نیز، محل خدشه است به دلیل اینکه سنت‌های مذکور برای خود بانیان سنت می‌تواند حجت باشد، نه برای دیگران. اگر قرآن کریم در کتب مقدس و وجود تحریف در آن دو حرف می‌زند، راجع به متون آنهاست، آن هم درباره یک انجیل مواجه با تحریف، نه انجیل چهارگانه و متعدد که اساساً کتب وحیانی به شمار نمی‌آیند.

۶. نقد و بررسی مورد ششم

در انتها، برای اینکه آقای دکتر نصر، نظر خودشان را اثبات کنند، حدیثی را از زبان مبارک پیامبر ﷺ نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند: «آیا به این یهودیان و مسیحیان نمی‌نگرید؟ آنان تورات و انجیل را می‌خوانند و به آن‌ها عمل نمی‌کنند.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۰۰)، استناد به این حدیث هم نمی‌تواند عدم تحریف لفظی در کتب مقدس را ثابت کند، به دلیل اینکه: یک. معنای سخن پیامبر اسلام ﷺ این نیست که عمل یهودیان و مسیحیان به کتب خودشان، نشانه حقانیت کتب آن‌هاست. چه بسا کتب تحریف‌شده‌ای که به آن‌ها عمل می‌گردد.

دو. سخن خود پیامبر ﷺ نیز در ادامه سخن خداست. خداوند در سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۶۶)؛ «و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آن‌ها نازل شده [قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین روزی خواهند خورد؛ جمعی از آن‌ها معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند.» از لزوم عمل یهودیان و مسیحیان به کتب خود و آثار آن حرف می‌زند، ولی این مسئله، همان‌گونه که مفسران بدان اشاره کرده‌اند، به معنای عمل به کتب اصیل‌شان است که بشارت نبوت پیامبر ﷺ را واجد است (بیضاوی، انوار التزیل و اسرار التأویل، ۱۴۱۸: ۱۳۵/۲).



نتیجه

۱. توجه به اطلاق و عمومیت موجود به همراه جهات دیگر در آیات دال بر وجود تحریف لفظی تورات و انجیل، از نکاتی است که به صورت برجسته در پژوهش کنونی، بدان اهمیت داده شده است؛
۲. دیدگاه مؤلفان کتاب تفسیر معاصرانه قرآن کریم در نفی تحریف لفظی، مخالفت آشکار با دلالت روشن آیات دلالت‌کننده بر وجود تحریف به معنای اعم در کتب مقدس دارد؛
۳. از آنجاکه کتب مقدس، افزون بر دارا بودن به تحریف معنوی و تأویلی در طول تاریخ گذشته، از تحریف لفظی از نوع کاهش و افزایشی هم همراه بوده است. از این رو نمی‌توان از مصونیت کتب مذکور، حمایت و جانب‌داری کرد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، قم: ۱۳۸۵ ش.
۲. آلوسی، سید محمود، تفسیر روح المعانی، نشر دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۵ ق.
۳. ابن ترکه اصفهانی، علی بن محمد، تمهید القواعد، چاپ جلال الدین آشتیانی، تهران: ۱۳۶۰ ش.
۴. ابن جزری، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، نشر دارالارقم، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، نشر موسسه التاریخ، بیروت: بی تا.
۶. بلاغی نجفی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، نشر بعثت، قم: ۱۴۲۰ ق.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۸ ق.
۸. حقانی، سکینه و محمد جواد اسکندرلو، مقاله «بررسی مسئله تحریف قرآن در دائرة المعارف قرآن لایدن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۴، ش ۶، سال ۱۳۸۸.
۹. جزایری، نعمت الله بن عبدالله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، نور وحی، قم: ۱۳۸۸ ش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، اسراء، قم: ۱۳۷۸ ش.
۱۱. خاچیگی، سارو، کتاب مقدس را بهتر بشناسیم، نشر موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، تهران: ۱۳۹۵ ش.
۱۲. خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، نشر موسسه احیاء آثار الامام الخوئی، قم: ۱۴۳۰ ق.
۱۳. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۹۶ ق.
۱۴. ریاحی مهر، باقر و سید احمد میر خلیلی، مقاله «نقد ادعای تحریف قرآن در آثار مستشرقان با تکیه بر آراء آیه الله فاضل لنکرانی»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۴، ش ۲۷، سال.
۱۵. زمنخسری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، بیروت: چاپ: ۳، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، نشر کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴ ق.



۱۷. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، ادارة الكتب و المكتبات، بیروت: ۱۹۹۱ م.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۴۰۶ ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت: ۱۴۲۷.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۱۲ ق.
۲۱. طبری، محمد بن عمر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، نشر دار المعرفة، بیروت: ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طوفی، سلیمان بن عبدالقوی، الاشارات الالهية الى المباحث الاصولیه، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۶ ق.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۴ ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر اسوه، قم: ۱۴۲۰.
۲۵. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، نشر دارالملاک، بیروت: ۱۴۱۹.
۲۶. قرشی بنابی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، نشر بنیاد بعثت، تهران: ۱۳۷۵ ش.
۲۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الرغائب، نشر سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۶ ش.
۲۸. کریم پور قراملکی، علی، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، دوره ۱۴، ش ۲۷، سال ۱۳۹۸ ش.
۲۹. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، نشر کتابفروشی اسلامیة، تهران: ۱۳۷۶ ش.
۳۰. کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید، ترجمه: هنری مرتن، ویلیام گلن و فاضل خان همدانی، نشر اساطیر، تهران: ۱۳۸۳ ش.
۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن شناسی، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم: ۱۳۸۴ ش.
۳۲. معرفت، محمدهادی، علوم قرآن، نشر موسسه التمهید، قم: ۱۳۷۶ ش.
۳۳. —، صیانة القرآن من التحریف، نشر موسسه التمهید، قم: ۱۳۸۶ ش.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران: چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ش.
۳۵. مهائمی، علی بن احمد، تفسیر القرآن المسمی تبصیر الرحمن و تیسیر المنان، نشر عالم الكتاب، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۳۶. نجارزادگان، فتح الله، تحریف ناپذیری قرآن، نشر مشعر، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۳۷. نصر، سید حسین و همکاران، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، نشر سوفیا، تهران: ۱۳۹۹ ش.



Resources:

۱. The Holy Quran, Translated by Naser Makarem Shirazi, Nasl Jawan Publications, Qom: ۲۰۰۶.
۲. Alusi, Seyyed Mahmoud, Tafsir Rūḥ al-Maʿānī [The Exegesis of the Spirit of Meanings], Dar Al-Kutub al-Ilmiyyah Publications, Beirut: ۱۴۱۵ AH.
۳. Balaghi Najafi, Muhammad Jawad, Ala' al-Rahman fi Tafsir al-Quran [The Divine Bounties in the Exegesis of Quran], Bi' that Publications, Qom: ۱۴۲۰ AH.
۴. Baydawi, Abdullah bin Umar, Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil [The Lights of Revelation and the Secrets of Hermeneutic], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۱۸ AH.
۵. Fadlallah, Seyyed Muhammad Hossein, Min Wahy al-Quran [(Lessons) From the Revelation of Quran], Dar al-Malak Publications, Beirut: ۱۴۱۹ AH.
۶. Fakhr Razi, Muhammad bin Umar, Mafatih al-Ghayb [The Keys of Hidden World], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ۱۴۲۰ AH.
۷. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-'Ayn, Uswa Publications, Qom: ۱۴۲۰ AH.
۸. Haqqani, Sakina and Muhammad Javad Eskandarlou, "A Study of the Issue of Distortaion of Quran in Leiden Encyclopedia of the Quran", Journal of Quranic Studies of Orientalists, Volume ۴, Issue ۶, ۲۰۰۹.
۹. Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir al-Tahrir wa al-Tanwir [Distinguishing and Enlightenment], Muassasah al-Tarikh, Beirut: n.d.
۱۰. Ibn Juzayy, Muhammad bin Ahmad, Al-Tashil li 'Ulum al-Tanzil [The Sciences of Revelation; Made Easy], Dar al-Arqam Publications, Beirut: ۱۴۱۶ AH.

۱۱. Ibn Turkah Isfahani, Ali bin Muhammad, Tamhid al-Qawadi [An Introduction to The Rules (in Irfan)], Jalal al-din Ashtiani's Printed Version, Tehran: ۱۹۸۱.
۱۲. Javadi Amoli, Abdullah Tasnim Exegesis, Esra, Qom: ۱۹۹۹.
۱۳. Jazairi, Ni'matullah bin Abdullah, 'Uqud al-Marjan fi Tafsir al-Quran [Necklaces of Coral in the Exegesis of Quran], Nur Wahy, Qom: ۲۰۰۹.
۱۴. Karimpour Qaramaleki, Ali, "A Critique of Orientalists' Analysis of Twelver Shiite Beliefs" Journal of Quranic Studies of Orientalists, Volume ۱۴, Issue ۲۷, Year ۲۰۱۹.
۱۵. Kashani, Fathullah bin Shukrullah, Manhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifin [The Method of Righteous in Obliging the Proponents], Islamiyyah Bookshop Publications, Tehran: ۱۹۹۷.
۱۶. Khoei, Seyyed Abu al-Qasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Quran [A Clarification in the Exegesis of Quran], Muassasah Ihya Athar al-Imam al-Khoei [Institute for the Revival of the Works of Imam Al-Khoei], Qom: ۱۴۳۰ AH.
۱۷. Ma'refat, Muhammad Hadi, Quranic Sciences, Al-Tamhid Institute Publications, Qom: ۱۹۹۷.
۱۸. _____, Siyanah al-Quran min al-Tahrif [The Protection of the Quran from Distortion], Al-Tamhid Institute Publications, Qom: ۲۰۰۷.
۱۹. Mahaimi, Ali bin Ahmad, Tafsir al-Quran al-Musamma Tabsir al-Rahman wa Taysir al-Mannan [The Exegesis of Quran Known as the Clarification of All-Merciful and Simplifying of All-Benefactor], Alam al-Kitab Publications, Beirut: ۱۴۰۳ AH.
۲۰. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh [The Ideal Exegesis], Dar al-Kutab al-Islamiyyah, Tehran: ۱۰th Edition, ۱۹۹۲.
۲۱. Mesbah Yazdi, Muhammad Taqi, Quranic Studies, Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications, Qom: ۲۰۰۵.



۲۲. Najjarzadegan, Fathullah, The Infallibility of Quran, Mush'ir Publications, Tehran: ۲۰۰۵.
۲۳. Nasr, Seyyed Hossein et al., The Contemporary Interpretation of the Holy Quran [= "The Study Quran"], Sophia Publishing, Tehran: ۲۰۲۰.
۲۴. Qarashi Bonabi, Seyyed Ali Akbar, Tafsir Ahsan al-Hadith [The Best Word/ Distinguished Exegesis], Bi'that Foundation Publications, Tehran: ۱۹۹۶.
۲۵. Qomi Mashhadi, Muhammad bin Muhammad Ridha, Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahr al-Rajaib [Exegesis of the Treasure of Delicacies and Ocean of Propensities], Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, Tehran: ۲۰۰۷.
۲۶. Riahi Mehr, Baqir and Seyyed Ahmad Mir Khalili, "A Critique of the Claim of Distortion of Quran in the Orientalists' Works Based on Ayatullah Fazel Lankarani's Viewpoint", Journal of Quranic Studies of Orientalists, Volume ۱۴, Issue ۲۷, Year ۲۰۱۹.
۲۷. Sadiqi Tehrani, Muhammad, al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an [The Criterion in the Exegesis of Quran], Islamic Culture Publications, Tehran: ۱۴۰۶ AH.
۲۸. Saro Khachigi, We Get Acquainted with the Bible Better [/ Let's Know the Bible Better], Tebyan Cultural and Information Institute Publisher, Tehran: ۲۰۱۶.
۲۹. Sha'rawi, Muhammad Metwalli, Al-Sha'rawi's Exegesis, Akhbar al-Yawm, Idarah al-Kutub wa al-Maktabat, Beirut: ۱۹۹۱.
۳۰. Suyuti, Jalaluddin Abdul Rahman, Al-Durr al-Manthur fi Tafsir bi al-Ma'thur [The Scattered Pearl in the Exegesis of Holy Book by Narrations], Qom, Ayatullah Mara'shi Najafi Library Publications, Qom: ۱۴۰۴ AH.
۳۱. Tabari, Muhammad bin Umar, Jame' al-Bayan an Tafsir al-Quran [A Comprehensive Statement in the Exegesis of Quran], Dar al-Ma'rifah Publications, Beirut: ۱۴۱۲ AH.

٣٢. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Tafsir Jawami' al-Jame' [Collections of Comprehensive Interpretations], Qom Seminary Management Center Publisher, Qom: ١٤١٢ AH.
٣٣. Tabatabai Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Muassasah al-A'lami lil Matbu'at Publications, Beirut: ١٤٢٧ AH.
٣٤. The Bible; The Old Testament and New Testament, Translated by Henry Marten, William Gollan Fazil Khan Hamadani, Asatir Publications, Tehran: ٢٠٠٤.
٣٥. Tuf, Solayman bin Abd al-Qawwi, Al-Isharat al-Ilahiyyah ila al-Mabahith al-Usuliyyah [The Divine Remarks Concerning the Theological and Fundamental Discussions], Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, Beirut: ١٤٢٦ AH.
٣٦. Zahabi, Muhammad Hossein, Al-Tafsir wa al-Mufasssiron [Exegesis and Commentators], Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: ١٣٩٦ AH.
٣٧. Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, Al-Kashshaf an Haqaiq Ghawamidh al-Tanzil wa Uyun al-Aqawil fi Wujuh al-Ta'wil [Discovering the Realities of the Ambiguity of the Revelation and the Origins of the Narrations Concerning Aspects of Hermeneutics], Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: ٣rd Edition, ١٤٠٧ AH.